

نقش عوامل ژئوپلیتیکی در بحران نوسازی ۲۰۱۱-۲۰۱۸ سوریه^۱

حبیب زمانی محجوب^۲

مرتضی شیرودی (نویسنده مسئول)^۳

چکیده

بحران اخیر سوریه، از بحران های پیچیده غرب آسیا (خاورمیانه) است که هم عوامل خارجی و هم عوامل داخلی، در بروز و تداوم آن نقش داشته اند. سؤال اصلی این است که عوامل ژئوپلیتیکی از چه نقشی در این بحران برخوردار بوده اند؟ لذا هدف مقاله آن است که با روشی توصیفی-تحلیلی، عوامل ژئوپلیتیکی سوریه و تأثیر آن بر بحران این کشور را تبیین نماید. یافته ها نشان می دهد: بحران سوریه، یک جریان سیاسی-اجتماعی علیه نظام حاکم است که اغلب بر عوامل ژئوپلیتیکی استوار است. اشاره به مرزبندی سوریه در دوران استعمار فرانسه، ساختار نامناسب ساختار سیاسی و تک حزبی، تنوع مذهبی و قومی و قرارگرفتن در نقطه پرتش خاورمیانه به عنوان عوامل ژئوپلیتیکی از نتایج این مقاله است. در این میان، قرارگرفتن سوریه در محور مقاومت، اصلی ترین دلیل صف آراییی دشمنان غربی و حکومت های عربی منطقه در مقابل نظام حاکم سوریه و ظهور و تداوم بحران است.

واژگان کلیدی: سوریه، بحران، اسرائیل، تنوع مذهبی-قومی و تکفیری ها

۱. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی جغرافیای مذهبی سوریه است که در در پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع) در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق(ع)، قم، ایران. zamani1358@gmail.com

۳. دانشیار مرکز پژوهشی تمدن اسلامی و دین پژوهی پیامبر اعظم(ص)، قم، ایران. dshirody@yahoo.com

ORCID: 0000-0002-1611-6652

مقدمه

از مارس ۲۰۱۱/ اسفند ۱۳۸۹ سوریه درگیر بحران و جنگ داخلی ویران‌گری شد که این کشور را به جولانگاه گروه‌های تکفیری تبدیل کرد. این گروه‌ها در لباس دین و سوار بر موج نارضایتی عمومی، با حمایت و دخالت برخی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، اعتراض‌های مسالمت‌آمیز مردمی را به خشونت کشاندند و طرح براندازی رژیم حاکم سوریه را کلیک زدند. از آنجا که این بحران ریشه در برخی عوامل جغرافیایی و سیاسی دارد و کشورهای متعددی، برای نقش‌آفرینی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، وارد این مناقشه شدند؛ لذا این حادثه، نوعی بحران ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود، اما این که سهم هریک از عوامل داخلی و خارجی در بحران سوریه به چه میزان است؟ مقوله‌ای بسیار مهم و نیازمند تحقیقات اساسی است. هدف این پژوهش، تنها تبیین عوامل ژئوپلیتیکی کشور سوریه و تأثیر آن بر بحران اخیر این کشور است.

در باره این موضوع، ذوقی بارانی، کنگاوری و فراتی (۱۳۹۰) در مقاله «تحلیل ژئوپلیتیک سوریه: بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه»؛ آجرلو (۱۳۹۰) در مقاله «تحولات سوریه: ریشه‌ها و چشم‌اندازها»؛ نیاکویی و بهمنش (۱۳۹۱) در مقاله «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، کریمی و گرشاسبی (۱۳۹۴) در مقاله «ماهیت سیاسی جریان‌های تکفیری سوریه» و زهرانی و فرجی لوحه سرا (۱۳۹۵) در مقاله «رویکرد ژئوپلیتیک فدراسیون روسیه در بحران سوریه» و نظایر آن، مطالب مرتبگی را با عوامل بحران زا در کشور سوریه نوشته‌اند، ولی عمده این مقالات ضمن تمرکز بر بازیگران خارجی، بحران سوریه را تنها در بیرون از مرزهای آن، جستجو کرده‌اند؛ در نتیجه کمتر از زاویه ژئوپلیتیکی به مسئله سوریه پرداخته‌اند.

این نوشتار بر آن است ضمن تبیین جغرافیای سیاسی سوریه و اهمیت راهبردی آن کشور در منطقه، برخی از مهم‌ترین عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر بحران اخیر در این کشور را بررسی نماید.

روش تحقیق و چارچوب نظری

روش مقاله برای دستیابی به پاسخ سؤال اصلی و اثبات فرضیه و عرضه یافته‌ها و نتایج مقاله، نخست توصیف وضعیت و سپس تحلیل آن است. بدین منظور، در آغاز، جغرافیای سیاسی

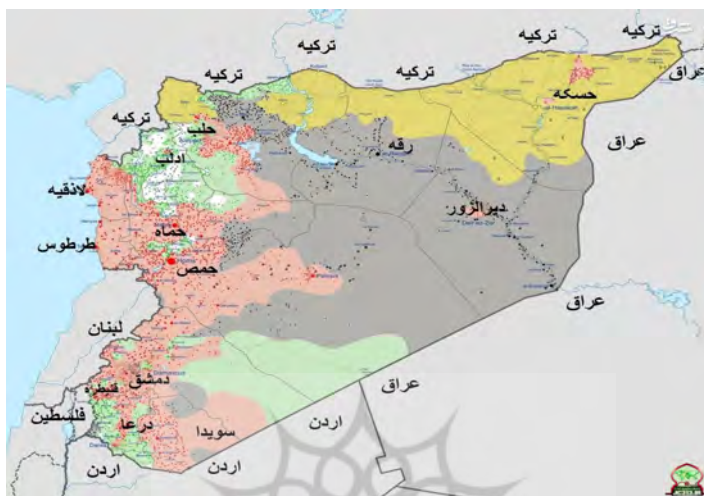
سوریه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا با تبیین فضای مکانی تحقیق، خواننده درک بهتری از مطالب بعدی مقاله بیابد. تشریح اهمیت راهبردی سوریه به ویژه در محور مقاومت، زمینه ذهنی بیشتری را برای تعیین عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر ایجاد و تشدید بحران سوریه فراهم می‌کند البته ذکر این عوامل در پس آن، به معنای اشاره به همه عوامل نیست بلکه تنها مهم ترین آن‌ها، عرضه می‌شود تا راه برای مطالعات بعدی مسدود باقی نماند. چاشنی همه این مباحث تحلیل نویسندگان از وضعیت جغرافیایی و راهبردی سوریه بر عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی بر بحران سوریه است.

اما مقاله از حیث روش شناسی یا چارچوب نظری بر مدل تحلیلی تحلیلی SWOT استوار است. روش اس دبلیو آتی که در فارسی با نام سوات شناخته می‌شود با شناسایی عوامل درونی و درک عوامل بیرونی یک مسأله و با تدوین راهبردهای و راه‌های برون رفت کوتاه مدت و بلندمدت، به حل مشکل، می‌پردازد. مدل مزبور، نگاه کلان دارد و از این رو، کمک می‌کند درک روشن تری از وضعیت حال و آینده یک بحران داشته باشیم، به بیان دیگر، سوات یکی از رایج ترین تکنیک‌های تجزیه و تحلیل راهبردی است که محیط‌های داخلی و خارجی (فرایندها) و اثر بخشی برایندها را مورد بررسی قرار می‌دهد و نحوه تعامل محیط داخلی و خارجی در یک یا چند سازمان یا کشور را از طریق تدوین استراتژی مناسب بررسی می‌کند. محیط داخلی، نقاط قوت و ضعف را مورد توجه قرار می‌دهد و محیط خارجی، سازمان یا کشور را در کشف فرصت‌ها و تهدیدها یاری می‌دهد. تحلیل راهبردی، اقدامات و برنامه ریزی‌هایی را شامل می‌شود که نتیجه آن به حداکثر رساندن قوت‌ها و فرصت‌ها و به حداقل رساندن ضعف‌ها و تهدیدهاست. این روش که از حروف اول کلمات قوت (Strength)، ضعف (Weakness)، فرصت (Opportunity) و تهدید (Threat) ساخته شده، از مهمترین ابزارها جهت انطباق نقاط قوت و ضعف سازمان یا کشور با فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی آن است. (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۳)

یافته‌های تحقیق

۱. موقعیت جغرافیایی: کشور سوریه در غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع است. این کشور ۱۸۵/۱۸۰ کیلومتر مربع (برابر با ۷۱/۲۲۳ مایل) مساحت دارد که تقریباً یک نهم مساحت ایران است. از مجموع مساحت سوریه، ۱۲۹۵ کیلومتر مربع در بلندی‌های جولان در اشغال رژیم غاصب صهیونیستی است (Fisher, 2011: 1051). سوریه از شمال به ترکیه، از

شرق به عراق، از جنوب به اردن و عراق، از جنوب غربی به فلسطین اشغالی و از غرب به لبنان و دریای مدیترانه محدود است.



طول مرزهای زمینی سوریه با کشورهای همجوار و نیز تقسیمات سیاسی آن کشور

طولانی‌ترین مرز سیاسی آن با ترکیه (حدود ۸۴۵ کیلومتر) و کمترین مرز آن با سرزمین‌های اشغالی فلسطین (حدود ۷۵ کیلومتر) می‌باشد (امینی، ۱۳۹۱: ۱).

طول مرزهای سیاسی سوریه با کشورهای همجوار

کشورهای همجوار	طول مرز (کیلومتر)
ترکیه	۸۴۵
عراق	۵۹۶
لبنان	۳۵۹
اردن	۳۵۶
سرزمین‌های اشغالی فلسطین	۷۵
سواحل دریای مدیترانه	۱۹۳
مجموع	۲۴۲۴

منبع: (امینی، ۱۳۹۱: ۲)

مرزبندی سوریه که پس از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴/۱۲۹۳) بدون توجه به مناسبات فرهنگی و اجتماعی منطقه انجام شد همواره برای این کشور مشکل آفرین بوده است (سعیدی، ۱۳۷۴: ۱۱). و باعث تجمع اقوام و قبایل با ادیان و مذاهب گوناگون در سوریه شده است. در واقع دشمنان غربی با تقسیم بندی و مرزبندی غلط خود به طور غیرمستقیم بذر اختلاف و تفرقه را در این سرزمین کاشتند (زارعان، ۱۳۹۴: مصاحبه).

۲. تقسیم بندی کشوری: سوریه از نظر تقسیم بندی کشوری به ۱۴ استان، ۴۷ منطقه و ۱۲۰ ناحیه تقسیم شده است.

استان‌های سوریه^۱

ردیف	نام استان	جمعیت/ نفر	درصد جمعیت	مساحت/ کیلومتر
۱	دمشق	۱۷۸۰۰۰۰	۷/۳	۱۸۲۲۷
۲	حلب	۵۹۲۷۰۰۰	۲۴/۲	۱۶۱۴۲
۳	ریف دمشق	۱۸۷۷۰۰۰	۷/۷	۱۸۰۱۸
۴	حُمص	۲۱۴۷۰۰۰	۷/۷	۴۲۲۲۶
۵	رَقه	۱۰۰۸۰۰۰	۴/۱	۲۲۰۰۰
۶	لاذقیه	۱۲۲۹۰۰۰	۵	۲۴۳۷
۷	دَرعا	۱۱۲۶۰۰۰	۴/۶	۳۷۹۰
۸	حَمسکه	۱۶۰۴۰۰۰	۶/۵	۲۳۳۷۱
۹	طَرطوس	۹۵۴۰۰۰	۳/۹	۱۸۹۰
۱۰	حَماه	۲۱۱۳۰۰۰	۸/۶	۸۸۴۴
۱۱	إدلب	۲۰۷۲۰۰۰	۸/۵	۵۹۳۳
۱۲	دیرالزور	۱۶۹۲۰۰۰	۶/۹	۳۳۰۶۰
۱۳	سویداء	۴۸۶۰۰۰	۲	۵۵۵۰
۱۴	قُنیطره	۴۸۹۰۰۰	۲	۱۷۱۶

۳. حاکمیت سوریه از استقلال تاکنون: ساختار سیاسی امروز سوریه ریشه در تحولات تاریخی این کشور پس از سقوط امپراتوری عثمانی دارد (زمانی محبوب و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۵ و ۱۶۴). از اوایل قرن بیستم با رواج ناسیونالیسم عربی در میان تحصیل کردگان سوری،

۱. اطلاعات جمعیتی بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار کشور سوریه (المکتب المركزي للإحصاء) در سال ۱۳۹۰/۲۰۱۱ می باشد. ر.ک: <http://www.cbssyr.sy>

به‌ویژه افسران ارتش، با هدایت سرویس‌های اطلاعاتی غربی یک انقلاب ضد عثمانی در کشور سوریه شکل گرفت (Lammens, 1997: 272). با آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴/۱۲۹۳) امپراتوری عثمانی با انعقاد پیمان نظامی با آلمان، به محور متحدین پیوست و با این کار، در واقع تیر خلاص را بر پیکر بی‌رمق خود زد؛ چراکه با شکست محور متحدین، روسیه و انگلیس به تجزیه قلمرو امپراتوری عثمانی پرداختند و بخش‌های مختلف امپراتوری عثمانی، از جمله سوریه، از زیر سیطره ترکان خارج شد و اداره آن به دست روس‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها افتاد (حتی، بی تا، ج ۲: ۳۵۴).

انگلیس و فرانسه، با ابراز تمایل روسیه، بر اساس قرارداد سایکس-پیکو^۱ در سال ۱۹۱۶/۱۲۹۵ تصمیم گرفتند که سوریه را به همراه لبنان، در قلمرو نفوذ فرانسه قرار دهند (حتی، بی تا، ج ۲: ۳۵۲-۳۵۳). این مرزبندی که بدون رعایت مناسبات فرهنگی و اجتماعی صورت گرفت، همواره برای سوریه، مشکل آفرین شد. (سعیدی، ۱۳۷۴: ۱۱). و باعث تجمع اقوام و قبایل با ادیان و مذاهب گوناگون در سوریه گردید. در واقع دشمنان غربی با تقسیم بندی و مرزبندی غلط خود به طور غیرمستقیم بذر اختلاف و تفرقه را در این سرزمین کاشتند.

در پی توافق سایکس-پیکو، دولت موقت فرانسوی در منطقه ساحلی سوریه تشکیل شد (سلطان، ۱۹۸۷: ۳۸۸). و در بخش درونی کشور نیز، یک دولت عربی ناپایدار به سرپرستی امیر فیصل، فرزند شریف حسین مکی^۲ به قدرت رسید (سلطان، ۱۹۸۷: ۴۱۹؛ برزین، ۱۳۶۵: ۷؛ حکیم، ۱۹۸۶: ۲۸؛ رشید رضا، ۲۰۰۱: ۱۴۴). امیر فیصل که، سه سال بر سوریه حکومت داشت، به شدت تحت تأثیر اندیشه‌های ناسیونالیستی بود؛ به گونه‌ای که عربیت را بر اسلامیت مقدم می‌گذاشت و می‌گفت: "ما پیش از آنکه مسلمان باشیم، عرب هستیم" (عنایت، ۱۳۵۸: ۲۵۶). وی با طرح حمایت از ناسیونالیسم عربی، در پی مقابله با استعمار فرانسه بود؛ اما ملی‌گرایی عربی فیصل در برابر قدرت توپ‌های استعمار فرانسه دوام نیاورد. چون اقدامات او مخالف منافع فرانسوی‌ها بود، فرانسه در سال ۱۹۲۰/۱۲۹۹ به فیصل، پادشاه سوریه، اخطار داد که این کشور را ترک کند. فیصل نیز که در خود توان مقابله با نیروهای فرانسوی

1. Sykes picot.

۲. شریف حسین، بزرگ خاندان هاشمی و نماینده عثمانی در حجاز بود. انگلیسی‌ها در جنگ با عثمانی و رقابت با فرانسه، شریف حسین را بر انگیزتند تا شورش اعراب را بر ضد ترکان رهبری کند.

را نمی‌دید، تسلیم خواسته فرانسوی‌ها شد (امامی، ۱۳۷۶: ۱۵ و ۱۹۴). و نیروهای فرانسوی سوریه را به اشغال خود درآوردند و به این ترتیب، سوری‌ها، ۲۵ سال زیر سیطره فرانسوی‌ها قرار گرفتند (کیالی، ۱۹۹۷: ۳۵؛ ارمنازی، ۱۹۷۳: ۲۱؛ حکیم، ۱۹۹۱: ۲۲۱). فرانسوی‌ها کوشیدند با تجزیه جغرافیایی سوریه، از ایجاد وفاق ملی در این کشور جلوگیری کنند؛ در نتیجه سوریه را به چهار بخش و دولت جداگانه تقسیم کردند: ۱. دولت دمشق ۲. دولت علویین به مرکزیت لاذقیه ۳. دولت جبل الدروز به مرکزیت سویدا ۴. دولت حلب (طربین، بی‌تا، ج ۱۳: ۱۱۰؛ ابوفخر، ۲۰۱۳: ۹۱).



در نتیجه اقدامات استعماری فرانسوی‌ها، در زمینه جداسازی ولایات تاریخی شام از سوریه مانند طرابلس، قیام‌های فراوانی حتی از جانب علویان (شریف، ۱۹۹۱: ۱۶۰-۱۶۲) برضد آنان شکل گرفت (ارمنازی، ۱۹۷۳: ۳۳؛ طربین، بی‌تا، ج ۱۳: ۱۱۰؛ معلم، ۱۹۸۸: ۱۷۵-۱۹۸). در این میان، فرانسه کوشید با حمایت مسیحیان مارونی و پیش‌برد سیاست تفرقه‌افکنی و تحریک شکاف‌های عمیق مذهبی و قومی، ضمن جلوگیری از پیدایش همبستگی ملی، سیطره حکومتش بر سوریه را حفظ کند (برزین، ۱۳۶۵: ۷ و ۳۶؛ سعیدی، ۱۳۷۴: ۲۵).

در سال ۱۳۲۴/۱۹۴۵ سوریه جشن استقلال گرفت اما پس از استقلال نیز، شاهد دوره ای طولانی از بی ثباتی در این کشور هستیم؛ که نتیجه آن، دخالت ارتش در امور سیاسی و کودتاهای پی در پی توسط نظامیان بود. آخرین آنها، ژنرال حافظ اسد- فرمانده نیروی هوایی سوریه- بود که در سال ۱۳۵۰/۱۹۷۱ با اندیشه‌های ضدصهیونیستی خود برضد رئیس جمهور وقت سوریه، نورالدین آتاسی، کودتا کرد و خود به ریاست جمهوری رسید و تا سال ۲۰۰۰ در رأس قدرت بود(دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۱۹).

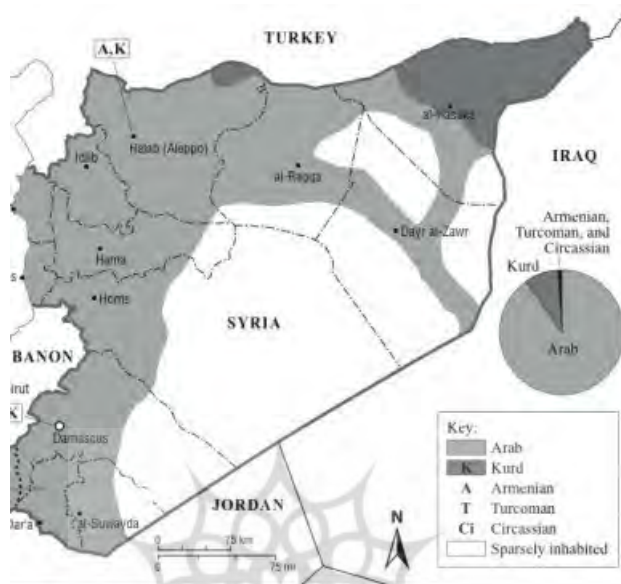
رژیم فعلی سوریه، همانند بسیاری از حاکمان پیشین، مولود و به عبارت بهتر موروث کودتای نظامی است که با وجود برخی اصلاحات سیاسی-اجتماعی، به دلیل هراس از وقوع دوباره کودتا، اجازه فعالیت گسترده به احزاب سیاسی و مذهبی دیگر نمی داد. همین امر، اعتراضاتی را علیه حکومت و نظام تک حزبی(بعثی) در پی داشت که خواهان اصلاحات و افزایش آزادی ها بودند(4: Lucas, 2001; Troudi, 2006: 123).

حافظ اسد طی سال‌ها فرزند بزرگش، باسل، را برای جانشینی خود آماده می کرد؛ اما او بر اثر یک تصادف، در سال ۱۳۷۳/۱۹۹۴ جان سپرد از این رو، فرزند دیگری، بشار، را که در لندن مشغول تحصیل پزشکی بود، به دمشق فراخواند و با سپردن برخی مسئولیت‌های سیاسی، مانند پرونده لبنان، او را آماده ریاست جمهوری نمود. پس از درگذشت حافظ اسد، بشار اسد با حمایت حزب بعث و فرماندهان ارشد ارتش، از پارلمان رأی اعتماد گرفت و به ریاست جمهوری سوریه رسید(طاهایی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). بشار اسد در همه پرسی سال ۲۰۰۷/۱۳۸۶ با ۹۷/۶۲ درصد کل آرا برای بار دوم به ریاست جمهوری برگزیده شد. وی در همه پرسی ژوئن ۲۰۱۴/۲۰ خرداد ۱۳۹۳ نیز ۸۸/۷ درصد کل آرا را به دست آورد و سومین بار برای هفت سال دیگر به ریاست جمهوری سوریه برگزیده شد.

۴. نژاد و قومیت: طبق آمار سال ۲۰۰۹/۱۳۸۸ حدود ۹۰ درصد مردم سوریه، عرب هستند و ۱۰ درصد باقی مانده را کردها، ارمنی ها، چرکس ها، ترکمن ها، آشوری ها و آرامی ها به خود

۱. مجموع آراء اخذشده در این دوره، ۱۱ میلیون و ۴۷۲ هزار و ۱۵۷ رأی بود که بشار اسد با کسب ۱۱ میلیون و ۱۹۹ هزار و ۴۴۵ رأی به پیروزی رسید(امینی، ۱۳۹۱: ۷۱).
۲. مجموع آراء اخذشده ۱۱ میلیون ۶۴۳ هزار و ۴۱۲ رأی بود که از این میان ۱۰ میلیون و ۳۱۹ هزار و ۷۲۳ نفر به بشار اسد رأی دادند.

اختصاص داده اند (لیفریت، ۲۰۰۵: ۲۶).



اعراب سوریه که اغلب در مرکز، غرب و جنوب سوریه تجمع دارند، دارای شیوه زندگی و آداب و رسوم یکسان نیستند. درون جامعه عربی سوریه تفاوت‌های چشمگیری میان گروه‌های قومی و مذهبی و میان شهرنشینان و روستانشینان دیده می‌شود. کردها بزرگ‌ترین اقلیت قومی سوریه محسوب می‌شوند به دلیل اینکه بسیاری از کردها به استان‌ها و مناطق دیگر مهاجرت نموده‌اند، اعلام یا پیش‌بینی دقیق تعداد آن‌ها مشکل به نظر می‌رسد. با این حال، کردها تعداد خود را دو میلیون نفر و منابع دولتی، آمار آن‌ها را یک میلیون نفر تخمین می‌زنند. ۱. مناطق اصلی کردنشین سوریه عبارتند از:

- الف- شمال شرق سوریه (قامشلی، حسکه، عامودا، القحاطینیه، المالکیه و عین العرب (کوبانی) در مناطق مرزی عراق)
- ب- منطقه عوزین (شمال حلب) که به جبل الاکراد (کوه کردها) معروف است. این منطقه مرز مشترک سوریه و ترکیه است.

۱. دولت سوریه تمایل چندانی به ارائه جمعیت واقعی کردها ندارد و همواره در پی کم‌جلوه‌دادن جمعیت این قوم بوده است (مطر، ۲۰۱۲: ۳۷).

ج- حَی الاکراد(کوی کرد نشینان)دمشق^۱ که بیشتر منطقه صالحیه و شیخ محی الدین در دامنه کوه قاسیون را شامل می‌شود.

کردها اغلب شافعی مذهب هستند و ۱۵ درصد از مجموع سنی‌های سوریه را شامل می‌شوند(مطر، ۲۰۱۲: ۳۷). برخی از کردها نیز یزیدی(ایزدی) هستند و اقلیت ده هزار نفری شیعه نیز، در میان آن‌ها زندگی می‌کنند(محمودیان، ۱۳۹۲: kurdpress.com) مهاجرت بزرگ کردها به سوریه پس از شکست انقلاب آن‌ها در سال ۱۳۰۴/۱۹۲۵ آغاز شد که اغلب به منطقه عامودا در استان حسکه فعلی مهاجرت کردند و امروزه، اوضاع اقتصادی و اجتماعی خوبی ندارند و از نبود رهبری رنج می‌برند(لیسکو، ۲۰۰۷: ۲۲۹-۲۳۰).

حکومت سوریه به دلیل تعصب بر قوم و هویت عربی، نگاه مطلوبی به سایر قومیت‌ها از جمله کردها نداشته است(روحانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). اکثر کردهای سوریه، به ویژه در دوران حافظ اسد، از داشتن شناسنامه سوری محروم بودند(مطر، ۲۰۱۲: ۴۳). اما در دوره بشار اسد مورد توجه بیشتری قرار گرفتند چنان‌که تعدادی بسیاری از آن‌ها، دارای شناسنامه سوری شدند و برخی از آن‌ها در بخش‌های حساس کشور مانند ارتش و حزب بعث به کار گرفته شدند(لیسکو، ۲۰۰۷: ۲۶؛ روحانی، ۱۳۸۷: ۱۴۵). در پارلمان سوریه نیز کردها به عنوان یکی از اقلیت‌های به رسمیت شناخته شده و دارای کرسی نمایندگی هستند.

قوم کرد در نزد توده مردم سوریه افراد فرصت‌طلبی شناخته می‌شوند که در زمان استعمار فرانسه در سرکوب جنبش‌های مردمی و ملی این کشور نقش منفی ایفا کرده و در سرکوب جنبش‌های اخوان المسلمین نیز حکومت فعلی و علوی سوریه را یاری کرده‌اند. از این جهت، وفاق ملی خوبی بین کردها و اعراب، که غالب جمعیت سوریه را شامل می‌شوند، برقرار نیست(سعیدی، ۱۳۷۴: ۳۶).

در بحران اخیر در سوریه نیز کردها با فرصت‌طلبی از شرایط موجود، در پی تشکیل حکومت آرمانی خود بوده‌اند. کردها پس از نشستی موسوم به مجمع قانونگذاری دولت خودمختار دموکراتیک کردستان غربی در ژانویه ۲۰۱۴/۱۳۹۳ برگزار شد، کردستان سوریه را خودمختار اعلام کردند.

نقشه آرمانی کردها در سوریه^۲

۱. برای آگاهی کامل از وضع کردنشینان دمشق رجوع کنید: (عزالدین، ۱۹۹۸: ۶۵).

2. <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page>



با توجه به اینکه کردها همواره برای تشکیل کردستان بزرگ تلاش می کنند، بحران سوریه باعث شد بسیاری از آنان در جایگاه معارض قرار گیرند و تا حدود زیادی با مخالفان مسلح همکاری کنند و با اینکه نظام حاکم کوشید، حقوق آنان را به رسمیت بشناسد و به همه آن ها شناسنامه سوری اعطا کند و حتی مناطق تحت سیطره آنان را به خودشان واگذارد، اما این امر باعث اعتمادسازی آنان نشد و آنها در صف معارضان، باقی ماندند و در مناطق تحت سلطه خود اعلام خودگردانی کردند. هرچند با گذر زمان و ایجاد اختلاف میان کردها و معارضان حکومت و همچنین حمله تکفیری ها به سمت مناطق کردنشین و عدم حمایت از جانب کردهای عراق، آنان تنها حامی مطمئن خود را نظام حاکم سوریه یافتند؛ در نتیجه با تشکیل کمیته هایی با عنوان «وحدات حماية الشعب الكردي» یا یگان های مردمی حمایت از ملت کرد، در کنار نظام سوریه به مقابله با تکفیرهای مهاجم به سرزمین سوریه پرداختند. البته باید توجه داشت این همراهی دیرهنگام کردها، با نظام سوریه، بیشتر از ترس جان و سرزمین شان است تا علقه به نظام حاکم؛ و قطعاً نظام سوریه پس از غلبه بر بحران فعلی نیز با چالش کردها مواجه خواهد بود.

به غیر از کردها، ارامنه، چرکس ها، ترکمن ها، آشوری ها و آرامی ها، دیگر اقلیت های قومی سوریه هستند. میلیون ها ارمنی در دوران جنگ جهانی اول از شرق ترکیه به سوریه کوچانده

شدند. آنها بیشتر در استان هایی چون حسکه، حلب، دیرالزور و لاذقیه ساکن شدند. چرخس ها که مسلمانانی غیر عرب هستند، در قرن های نوزدهم و بیستم از ناحیه قفقاز روسیه به سوریه آمدند. جمعیت چرخس ها در سوریه در حدود سی هزار نفر، جمعیت ارامنه در حدود ۳۳۰ هزار نفر است. تعداد ترکمن های سوریه نیز، در حدود ۱۵۰ هزار نفر است که بیشتر در روستاهای اطراف حمص، حماه و لاذقیه زندگی می کنند. آرامی های سوریه هم، جمعیتی در حدود ۵۰ هزار نفر دارند که در دمشق و روستاهای اطراف آن ساکن هستند (امینی، ۱۳۹۱: ۳۴).

در ضمن، طبق آخرین آمارهای «آژانس کار و امداد سازمان ملل متحد برای آوارگان فلسطینی در خاور نزدیک»، موسوم به «اوتروا»^۱ تا سال ۲۰۱۱/۱۳۹۰ حدود ۴۷۲۱۰۹ نفر آواره فلسطینی در سوریه ساکن بودند (United Nation, 2011:3) و این آمار تا سال ۲۰۱۸/۱۳۹۷ شاید به ۵۰۰ هزار نفر رسیده باشد.

۵. اهمیت راهبردی سوریه در منطقه: کشور سوریه در منطقه بسیار مهم و پرتنش خاورمیانه واقع است. نکته مهم این است که در میان کشورهای غرب خاورمیانه، سوریه در اکثر بحران های این منطقه، مانند جنگ های اعراب و رژیم صهیونیستی، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، حمله آمریکا به منطقه و اخیراً حملات گروه های تکفیری، نقش محوری داشته و در بطن حوادث بوده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۵). از این رو، برخی کشور سوریه را «بزرگترین کشور کوچک جهان» خوانده (امینی، ۱۳۹۱: ۱۱۴-۱۱۵). و برخی نقش آن را در جهان عرب، بیشتر از جمعیت و ثروتش توصیف کرده اند (مسجدجامعی، ۱۳۶۷: ۱۸).

دیگر وجه اهمیت راهبردی سوریه قرار گرفتن در کناره شرقی دریای مدیترانه است. سوریه، با داشتن ۱۸۳ کیلومتر مرز ساحلی در کنار دریای مدیترانه، پل ارتباطی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا می باشد و یکی از مراکز مهم انتقال انرژی به کشورهای غربی محسوب می گردد (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷: ۲۴؛ سعیدی، ۱۳۷۴: ۱۳).

همچنین هم مرز بودن با رژیم غاصب صهیونیستی، لبنان، ترکیه و عراق به کشور سوریه موقعیت ویژه ای بخشیده است تا بتواند در بازی های سیاسی منطقه نقش آفرین باشد (دفتر

مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷: ۲۴). در این میان، تقابل پایدار سوریه با رژیم صهیونیستی، محور اهمیت راهبردی این کشور در منطقه است (Troudi, 2006: 130).

در ژوئن ۱۳۴۶/۱۹۶۷ اسرائیل با تهاجم نظامی به مرزهای مصر و اردن و سوریه، شهر قنيطرة را اشغال کرد (برزین، ۱۳۶۵: ۱۷). در نتیجه، سوریه بخشی از منطقه حساس و پرآب^۱ به نام بلندی‌های جولان را از دست داد. از مجموع مساحت سوریه، ۱۲۹۵ کیلومتر مربع در بلندی‌های جولان در اشغال رژیم غاصب صهیونیستی است (Fisher, 2011: 1051). رژیم صهیونیستی با اشغال ارتفاعات جولان، توانسته است شهر دمشق، پایتخت سوریه، را در تیررس خود قرار دهد (امینی، ۱۳۹۱: ۳۱؛ امامی، ۱۳۷۶: ۷۶). از دست دادن بلندی‌های جولان - که اینک دیگر اسرائیلی‌ها بر اساس تصویب مجلس خود، درصد تثبیت مالکیت آن هستند - و عدم توان بازپس‌گیری آنها،^۲ روح ملت سوریه را برای همیشه از رژیم غاصب صهیونیستی جریحه دار کرد و تأثیر جدی بر استمرار دشمنی سوریه و اسرائیل نهاد؛ به گونه‌ای که سوریه هیچ‌گاه حاضر نشد، بدون پس گرفتن جولان، پای میز مذاکره و صلح با اسرائیل بیاید (طاهایی، ۱۳۸۸: ۹۰-۹۱).

در اکتبر ۱۳۵۲/۱۹۷۳ نیروهای رزمی مصر و سوریه برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی دست به حمله‌ای گسترده برضد نیروهای اسرائیلی زدند که با وجود پیروزی‌های اولیه، در نتیجه سازش مصر با اسرائیل، صحنه نبرد به سوریه کشیده شد و در نتیجه آن، بار دیگر بخش‌هایی از سوریه، مانند بلندی‌های جولان، به اشغال اسرائیل درآمد (امامی، ۱۳۷۶: ۲۱۵). سوریه پس از شکست مفتضحانه مصر، به رهبری جمال عبدالناصر در برابر اسرائیل، کوشید رهبری سیاسی جهان عرب را به دست گیرد. حافظ اسد با درپیش گرفتن راهبرد دفاع منطقه‌ای و بین‌المللی با محوریت مقابله با رژیم غاصب صهیونیستی، به تدریج سوریه را به محور مقاومت علیه اسرائیل بدل ساخت و تقابل پایدار سوریه با رژیم صهیونیستی (Troudi, 2006: 130). و «عدم سازش با اسرائیل» به دکترین حکومت سوریه مبدل شد (طاهایی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). به طوری که سوریه

۱. هم اکنون یک سوم آب مورد نیاز اسرائیل از بلندی‌های جولان تأمین می‌شود (افنیخو، ۲۰۰۳: ۳۰).

۲. برخی بر این عقیده‌اند بحران سوریه ناشی از ناکامی حکومت در حل برخی مشکلات است از جمله سرخوردگی ملت سوریه در قضیه جولان و ناتوانی حکومت اسد در بازپس‌گیری این مناطق.

تنها کشور عربی است که از آغاز در برابر زورگویی و توسعه طلبی رژیم نامشروع صهیونیستی ایستادگی کرده است.

بسیاری از روابط سیاسی سوریه با کشورهای اطراف نیز، بر مبنای همین سیاست ضد صهیونیستی است. بر همین مبنای، سوریه رابطه نزدیکی با ایران دارد. البته پیش از انقلاب اسلامی ایران، میان سوریه و ایران رابطه خوبی برقرار نبود، زیرا، در آن زمان سوریه در جبهه بلوک شرق قرار داشت و هم‌پیمان شوروی سابق در خاورمیانه محسوب می‌شد؛ در حالی که، ایران جزء بلوک غرب و هم‌پیمان آمریکا بود. تهران سیاست دمشق، مبنی بر حمایت از جنبش‌های عربی رادیکال، را به شدت مورد انتقاد قرار می‌داد؛ در مقابل، سوریه ایران را دشمن خطرناک اعراب می‌پنداشت که به منزله ابزار امپریالیسم غرب در منطقه عمل می‌کند اما در این میان، عاملی که روابط دو کشور را تیره‌تر و سرد ساخته بود، تقابل سوریه با رژیم صهیونیستی و حمایت شاه از این رژیم غاصب بود (امینی، ۱۳۹۱: ۱۰۶). اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران و سوریه، به دلیل تغییر سیاست ایران در برابر اسرائیل (لوغاک، ۲۰۰۶: ۱۶۷) و برافراشتن پرچم فلسطین بر بام سفارت سابق رژیم اشغالگر قدس در تهران، بسیار گرم گردید (امینی، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۷). سوریه با استقبال از پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم شاه نخستین دولت عربی بود که این پیروزی را به رهبر انقلاب، امام خمینی (ره)، تبریک گفت و برای تحکیم روابط دو کشور برای مقابله با صهیونیسم و امپریالیسم ابراز امیدواری کرد (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۷۶). برآیند روابط میان دو کشور ایران و سوریه از بهمن ۱۳۵۷ تاکنون، روابطی دوستانه و باثبات بوده است (طاهایی، ۱۳۸۸: ۱۳۴) البته هر دو کشور از این گرمی روابط، سود برده‌اند. در دوران جنگ ایران و عراق کشور سوریه، بر خلاف بقیه کشورهای عربی - که بیشتر آن‌ها به نفع عراق موضع‌گیری کردند- در برابر تجاوز عراق به ایران واکنش منفی نشان داد (امینی، ۱۳۹۱: ۱۰۷). البته طی سال‌های جنگ، بر طبق شرایط و مقتضیات منطقه‌ای و بین‌المللی، گاه، دگرگونی‌هایی در دیدگاه‌های مسئولان حکومت سوریه ایجاد می‌شد، اما در مجموع این کشور سیاست جانبداری از ایران داشت. سوریه در ادامه کوشید با میانجی‌گری و حل مناقشه ایران و عراق، این جنگ بدون داشتن برنده، به پایان برسد (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۱۶۳). چراکه شکست هر یک از دو طرف مخاصمه، برای سوریه زیان داشت.

سوریه با حزب الله لبنان هم به‌واسطه مبارزه علیه اسرائیل، رابطه‌ای بسیار خوب دارد و

حزب الله لبنان از متحدان راهبردی سوریه به حساب می‌آید. این گروه در آغاز، مطلوب سوریه نبود، اما با تقویت، گسترش و افزایش محبوبیت مردمی حزب الله، سوریه به حمایت از این گروه مقاومت پرداخت. حزب الله در سال ۱۹۹۷/۱۳۷۶ با اجازه سوریه نمایشگاه‌هایی در باره دستاوردهای خود از مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی برپا کرد. در سال ۲۰۰۵/۱۳۸۴ نیز شیخ نعیم قاسم، معاون سیدحسین نصرالله، در هفته وحدت اسلامی، در شهر حلب حضور یافت. پس از جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶/۱۳۸۵ نیز، با گرایش عمومی مسلمانان به حزب الله رابطه دولت سوریه با این حزب عمیق تر گشت (البعث الشیعی فی سوریه ۱۹۱۹-۲۰۰۷، ۲۰۰۹: ۱۲۱). و محور مقاومت علیه اسرائیل، یعنی حزب الله لبنان، ایران و سوریه، جان تازه‌ای گرفت (ایمانی مقدم، ۱۳۹۴: مصاحبه و سلطانی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۲۴).

به هر حال، سوریه با وجود همه فشارهای آمریکا و هم پیمانانش، هنوز از مهم‌ترین چالش اردوگاه غرب در خصوص رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود و عدم برقراری صلح میان سوریه و رژیم صهیونیستی، هزینه فراوانی را برای آمریکا و متحدانش در پی داشته است و اهمیت راهبردی سوریه را در منطقه حفظ کرده است (امینی، ۱۳۹۱: ۱۱۶). هرچند، مقاومت سوریه برای این کشور هم مشکلاتی را پدید آورده است؛ چراکه دشمنان غربی عربی همه توان خود را برای شکستن محور مقاومت به کار گرفته‌اند. از این رو، برخی تحلیلگران معتقدند بحران فعلی سوریه ساخته و پرداخته بازی‌گردانان غربی برای سرنگونی نظام سوریه، و تداوم آن نیز رقابت بین دو جریان متضاد «مقاومت» و «محافظه کار عربی» در منطقه است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

با وجود موقعیت استراتژیک سوریه در منطقه و برخی فرصت‌ها و عوامل قدرت ملی، عواملی هم از درون این کشور را تهدید می‌کند که عبارتند از:

الف- تغییرات و اختلافات مرزی فراوان: سوریه همواره جزئی از شامات بوده است و تاریخ، هرگز سوریه را به عنوان یک کشور مشخص و واحد، ثبت نکرده است (دراسیدل و بلیک، ۱۳۶۹: ۲۴۶). تغییرات مرزی فراوان در سوریه در صد سال اخیر، باعث شده حتی خود

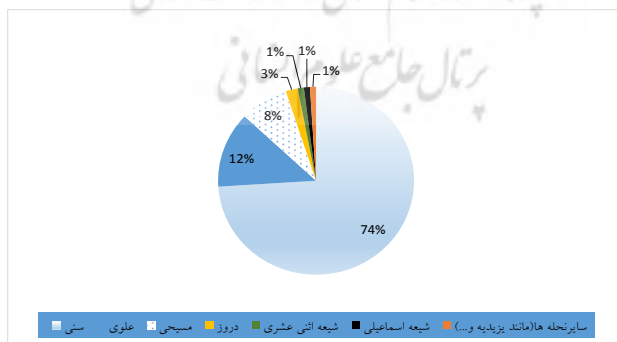
۱. همزمان با شکل‌گیری حزب الله در لبنان و در اوایل دهه هشتاد میلادی، مهم‌ترین گروه لبنانی مورد حمایت دمشق، جنبش امل به رهبری «نبیه بری» بود (طاهایی، ۱۳۸۸: ۹۷).

سوری‌ها یک تعریف دقیقی از موجودیت سوریه نداشته باشند. به طور کلی سوریه قبل از جنگ جهانی اول، میان دو جنگ جهانی و پس از استقلال، سه هویت مختلف سیاسی و جغرافیایی داشته است. این کشور پیش از جنگ جهانی اول یکی از استان‌های امپراتوری عثمانی شامل اردن، فلسطین و لبنان کنونی محسوب می‌شد. پس از جنگ، این مناطق به بخش‌های انگلیسی و فرانسوی تقسیم شد. در میانه دو جنگ جهانی، سوریه به همراه لبنان و استان اسکندرون تحت سرپرستی فرانسه قرار گرفت (ارمنازی، ۱۹۷۳: ۱۰۱؛ سلطان، ۱۹۸۷: ۳۸۸ و ۴۲۷).

در سال ۱۳۱۸/۱۹۳۹ استان اسکندرون به وسیله سربازان ترک به رهبری آتاتورک اشغال شد و از سوریه جدا شد. از این رو، هویت سیاسی و جغرافیایی این کشور برای مردم آن مبهم است و همین امر، از وفاق ملی این کشور کاسته است (سعیدی، ۱۳۷۴: ۱۹-۲۰) و اختلافات بسیاری با کشورهای همسایه مانند ترکیه پدید آورده است (Troudi, 2006: 123).

ب- تنوع دینی و قومی: سوریه کانون ادیان و مذاهب گوناگون است. جغرافیای مذهبی سوریه، همانند گذشته، ترکیب چهل تکه‌ای از جوامع اسلامی و غیراسلامی است. نکته جالب این است که قالب کلی وضع مذهبی سوریه، در طول دوره اسلامی، تغییر چندانی نیافته است و مسلمانان اهل سنت در اکثریت و فرقه‌های شیعی در اقلیت هستند و جابجایی قدرت مذهبی رخ نداده است (ویلی، ۱۳۸۶: ۶۹).

طبق آخرین بررسی‌ها، سوریه بیش از ۲۳ میلیون جمعیت دارد. از این جمعیت، ۷۴ درصد اهل سنت، ۱۲ درصد علوی، ۸ درصد مسیحی، حدود ۳ درصد دروزی، ۱ درصد شیعه اثناعشری، کمتر از ۱ درصد اسماعیلی و ۱ درصد پیروان مذاهب دیگر هستند.



نمودار ادیان و مذاهب و فرقه‌های سوریه

تعدد و تنوع فرقه‌های دینی و مذهبی در این کشور ریشه تاریخی و جغرافیایی دارد. بسیاری از پیامبران الهی در این سرزمین به دنیا آمده، زیسته و از دنیا رفته‌اند. برخی از مشکلات سیاسی و اجتماعی سوریه هم ناشی از موقعیت خاص جغرافیایی این کشور و ژئوپولیتیک منطقه است. سوریه همواره محل مهاجرت و برخورد اقوام و نژادها با عقاید و فرهنگ‌های گوناگون بوده و جمعیت این کشور از نظر مردم‌شناسی سخت متنوع است (سعیدی، ۱۳۷۴: ۲۱). همین امر سبب دسته‌بندی‌های فرهنگی، قومی و مذهبی در این کشور شده که بر روند سیاسی و مذهبی کشور نیز بسیار مؤثر بوده است (برزین، ۱۳۶۵: ۳۲ و ۳۵؛ خلف، ۲۰۰۹: ۷۲؛ Troudi, 2006: 125). و دشمنان را برای تجزیه و به تعبیر یکی از مفسران اسرائیلی، «قطعه قطعه کردن سوریه» تحریک کرده است (امامی، ۱۳۷۶: ۱۸۵).

ج- محوریت حزب بعث و پان عربیسم: حکومت سوریه برای غلبه بر تنوع قومی و مذهبی و همچنین تقویت جایگاه سیاسی کشور کوشید با تکیه بر پان عربیسم و تقویت حزب بعث عربی به عنوان حامی این اندیشه بر چالش‌های فوق غلبه کند (دراسیدل و بلیک، ۱۳۶۹: ۲۴۴-۲۴۵). اما همین مسئله باعث شده هویت و تعصب ملی در این کشور بسیار کمرنگ شود و مردم سوریه به استقلال ملی کم‌توجه شوند (امینی، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۸؛ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷: ۳۲-۳۳). در نتیجه مردم سوریه نسبت به دفاع از مرزهای کشورشان سست شده‌اند و خود را بیش از آنکه یک سوری بدانند یک عرب به شمار می‌آورند که در وطن عربی زندگی می‌کنند. همین امر، از روحیه مقاومت آن‌ها در برابر دشمنان، به خصوص اگر عرب باشند، کاسته است. در نتیجه، وقتی گروه تکفیری مثل داعش و جبهه النصره - که عرب هستند - در این سرزمین جولان می‌دهند، مقاومت مردمی بسیار اندک شکل می‌گیرد.

د- دشمنان غربی - عربی: هرچند برخی عوامل داخلی در بحران سوریه نقش آفرین است، ولی بی‌شک اصلی‌ترین عامل حوادث سوریه محرک‌های خارجی می‌باشد. قرارگرفتن سوریه در محور مقاومت و تقابل با رژیم صهیونیستی، هرچند بر اهمیت ژئوپولیتیک این کشور افزوده است، سبب صف‌آرایی دشمنان غربی و حکومت‌های محافظه‌کار و مرتجع عربی^۱ منطقه در

۱. برخی بر این عقیده‌اند رهبری حکومت‌های عربی ضد سوریه را در منطقه، عربستان بر عهده دارد و پشت صحنه اصلی جریان سوریه این کشور است. پس راهبرد برون‌رفت از این بحران مذاکره با عربستان است اما برخی نیز معتقدند سوریه صحنه بازیگران بسیاری است که عربستان نیز یکی از آنهاست و برخی گروه‌های تکفیری در

مقابل نظام حاکم سوریه شده است. دشمنان شیعه که نگران اقتدار سیاسی تشیع و نشر گفتمان مقاومت هلال شیعی در سراسر منطقه راهبردی خاورمیانه هستند، تمام تلاش خود را برای سرکوب نظام‌های مدافع آن به کار گرفته‌اند تا از یک سو، زنجیره مقاومت در منطقه را بگسلانند و دایره جبهه مقاومت را محدود کنند و از سوی دیگر، ظرفیت مقاومت در برابر رژیم غاصب صهیونیستی و منافع غرب را به مناقشات داخلی معطوف نمایند.

تحلیل دیگر این است که این سناریوی آمریکا برای انحراف اذهان عمومی از بیداری اسلامی و خیزش عربی در منطقه بود. آنها می‌خواستند از جهت‌گیری رسانه‌های دنیا را از انقلاب‌های منطقه به بحران سوریه معطوف کنند. در واقع، سوریه هم‌اکنون گرفتار توطئه پیچیده نظام سلطه است که در تلاش‌اند بر موج «بهار عربی» طرح براندازی نظام سوریه را کلیک بزنند (ایمانی مقدم، ۱۳۹۴: مصاحبه).

البته دشمنان غربی هدف کلانی را نیز دنبال می‌کنند که بر مبنای آن در سوریه و کشورهای اسلامی مخالف خود در منطقه، با سوق دادن مردم به فروپاشی سیاسی و تقسیم کشور بین گروه‌ها و اقوام مختلف، ایجاد هر نوع حکومت متمرکز و قدرتمند اسلامی را با چالش مواجه کنند. آنان با طرح سیستم ملوک‌الطوایفی، البته در قالب فدرالیسم، دقیقاً همان کاری را دنبال می‌کنند که استعمار فرانسه در کشورهای مثل کنگو و زئیر کرد و با تحریک گروه‌های معارض و اقوام مخالف این کشورها را به جنگی نکبت‌بار فرو برد و اداره آن‌ها را به دست فرمانداران محلی و باندهای تبهکار مافیایی سپرد. دشمنان غربی که خطای راهبردی و تجربه ناموفق حضور مستقیم در عراق (mossallanejad, 2016: 21) و افغانستان را در سیاست خارجی خود می‌دیدند، در سوریه به جنگ نیابتی روی آوردند و لذا طرح براندازی از درون را برای سوریه اجرا و سلفی‌ها را به آن منطقه سوق دادند و به سازماندهی و تجهیز مخالفان و معارضان پرداختند. کشورهای مرتجع عربی منطقه نیز، که سوریه را در جبهه مخالف می‌دیدند، با دشمنان غربی همراه شده و با تأیید و حمایت خود در اجرای این نقشه‌ها کمک کردند.

هـ - فعالیت جریان‌های سلفی تکفیری: عمده گروه‌های تکفیری فعال در سوریه از بیرون و اغلب از عراق وارد این کشور شده‌اند. در واقع ریشه‌های شکل‌گیری این جریان سلفی-

تکفیری در خارج از سوریه است، ولی در این کشور به دلیل فعالیت جنبش اخوان المسلمین زمینه برای گرایش به سلفی گری برای برخی تندوران این گروه فراهم می‌باشد. کشور سوریه امروزه با رادیکالیزم مذهبی روبرو است (Troudi ۲۰۰۶: ۱۲۴). بخش قابل توجهی از اهل سنت اخوانی سوریه از گروه‌های تکفیری مانند جبهه النصره و داعش و... تأثیر پذیرفته و برخی از آن‌ها به این گروه‌ها پیوستند؛ چرا که این گروه‌ها را تنها راه انتقام خود از حکومت بشاراسد می‌دانند و به عقیده آنها جنگیدن با حزب حاکم غیر مشروع سوریه و کنار نهادن آن، تنها از این راه میسر است.

البته عمده اهل سنت سوریه - به غیر از طیف تندروی اخوان - هنوز چندان تحت تأثیر اندیشه‌های افراطی گروه‌های تکفیری قرار نگرفته و عامل اصلی که آن‌ها را در کنار گروه‌های تکفیری قرار داده، عامل سیاسی و مخالفت با نظام حاکم سوریه است، نه عامل دینی، چرا که آن‌ها قرن‌ها با علویان زیسته‌اند، هرچند دارای اختلافاتی اند ولی نه تا آن اندازه که روبروی هم صف‌آرایی کنند و علیه همدیگر تیغ بکشند.

اخوان المسلمین سوریه هیچ‌گاه نتوانست مانند اخوان مصر، پایگاه اجتماعی پیدا کرده و در جامعه سوریه نفوذ کند، اما به‌عنوان یک تشکیلات مذهبی مخالف همواره خطر آفرین بود که با فراهم آمدن موقعیت مناسب علیه نظام حاکم جبهه می‌گرفتند (برزین، ۱۳۶۵: ۱۲۵؛ سعیدی، ۱۳۷۴: ۲۴). چنانچه در حوادث اخیر نیز، با آغاز قیام گروه‌های تکفیری اغلب به خدمت آنها درآمدند و زمینه جولان گروه‌های تکفیری در این منطقه را فراهم آوردند.

نتیجه‌گیری

بحران سوریه، یک جریان متأثر از عوامل مختلف سیاسی - اجتماعی است که عوامل ژئوپلیتیکی در آن نقش اساسی دارد. مرزبندی غلط سوریه در دوران استعمار فرانسه، ساختار نامناسب سیاسی این کشور مبتنی بر نظامی استبدادی، موروثی و تک حزبی (حزب بعث)، تنوع مذهبی و قومی و قرارگرفتن در نقطه پرتنش خاورمیانه تنها بخشی از عوامل ژئوپلیتیکی بحران ساز در سوریه است که به تدریج این کشور را در گرداب توطئه دشمنان منطقه ای و فرامنطقه ای فرو برد. (مصلی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۳۶)

در این میان قرارگرفتن سوریه در محور مقاومت و تقابل با رژیم صهیونیستی اصلی ترین دلیل

صف‌آرایی دشمنان غربی و حکومت‌های محافظه‌کار و مرتجع عربی منطقه در مقابل نظام حاکم سوریه شده است. دشمنان شیعه که نگران اقتدار سیاسی تشیع و نشر گفتمان مقاومت هلال شیعی در سراسر منطقه راهبردی خاورمیانه هستند، تمام تلاش خود را برای سرکوب نظام‌های مدافع آن به کار گرفته‌اند تا از یک سو، زنجیره مقاومت در منطقه را بگسلانند و دایره جبهه مقاومت را محدود کنند و، از سوی دیگر، ظرفیت مقاومت در برابر رژیم غاصب صهیونیستی و منافع غرب را به مناقشات داخلی معطوف نمایند. البته دشمنان غربی هدف کلانی را نیز دنبال می‌کنند که بر مبنای آن در سوریه و کشورهای اسلامی مخالف خود در منطقه، با سوق دادن مردم به فروپاشی سیاسی و تقسیم کشور بین گروه‌ها و اقوام مختلف، ایجاد هر نوع حکومت متمرکز و قدرتمند اسلامی را با چالش مواجه کنند. دشمنان غربی که خطای راهبردی و تجربه ناموفق حضور مستقیم در عراق و افغانستان را در سیاست خارجی خود می‌دیدند، در سوریه به جنگ نیابتی روی آوردند و لذا طرح براندازی از درون را برای سوریه اجرا و سلفی‌ها را به آن منطقه سوق دادند و با فراخوان گروه‌های افراطی و تکفیری، سناریوی دیگری از جنگ شیعه و سنی را در این منطقه به نمایش گذاردند.

در واقع، غرب برای پیروزی در سوریه و خاورمیانه، به عوامل داخلی متکی است و بدون آن، امید به پیروزی میسر نیست و البته، سهم عوامل داخلی بیش از عوامل خارجی است. نباید فراموش کرد بحران سوریه دو هدف بزرگ داشت: نگاه داشت اسرائیل و نابودسازی، ایران از این رو، بر دخالت خارجی در سوریه پایانی نیست و در این راستا، سوریه بدون ایران یارای مقابله با دشمنان خود را ندارد و این موضوع، در اندیشه مسیحیت صهیونیستی قابل تفسیر است. بر پایه این اندیشه، سوریه دائم البحران است.

۱. أبو فخر، صقر (۲۰۱۳). «أعيان الشام وإعاقه العلمانية في سورية»، بيروت، الموسسه العربيه للدراسات و النشر.
۲. آجرلو، حسین (۱۳۹۰). «تحولات سوریه: ریشه ها و چشم اندازها»، فصلنامه مطالعات خاور میانه، شمار ۶۶، پاییز، ص ۵۵ - ۷۸.
۳. أرمنازی، نجیب (۱۹۷۳). سورية من الاحتلال حتى الجلاء، بيروت، دار الكتاب الجديد.
۴. احمدی، محمدرضا (۱۳۸۶). روش تحلیل راهبردی، "حصون، شماره ۱۳.
۵. افیخرا، احمد یحیی (۲۰۰۳). الجولان، دمشق، الارض الاسيره.
۶. امامی، محمدعلی (۱۳۷۶). سیاست و حکومت در سوریه، تهران، وزارت امور خارجه.
۷. امینی، داود (۱۳۹۱). جغرافیای کشورهای جهان - سوریه، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۸. ایمانی مقدم، علیرضا (۱۳۹۴). مصاحبه درباره مسائل سوریه.
۹. برزین، سعید (۱۳۶۵). تحولات سیاسی در سوریه، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۰. حتّی، فیلیپ (بی تا). تاریخ سوریه و لبنان و فلسطین، ترجمه جورج حداد، عبدالکریم رافق و تحریر جبرائیل جبور، بیروت، دار الثقافة.
۱۱. حکیم، یوسف (۱۹۸۶). سورية و العهد الفیصلی، بیروت، دار النهار للنشر.
۱۲. حکیم، یوسف (۱۹۹۱). الانتداب الفرنسی، بیروت، دار النهار للنشر.
۱۳. خلف، تیسیر (۲۰۰۹). رحلة حمّود البوسعیدی ۱۸۷۲، دمشق، التکونین للتألیف و الترجمة و النشر.
۱۴. دراسیدل، آلاسیدیر و بلیک، جرالداچ. بلیک (۱۳۶۹). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال افریقا، ترجمه دره میرحیدر (مهاجرانی)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
۱۵. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه (۱۳۸۷). سوریه، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۶. ذوقی بارانی، کاظم، کنگاوری، روح الله و فراتی، محمدرضا (۱۳۹۰). «تحلیل ژئوپلیتیک سوریه: بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست

- دفاعی، شمار ۷۷، زمستان، ص ۱۹۵-۲۱۴.
۱۷. رشیدرضا، محمد (۲۰۰۱). رحلتان إلى السوریه (۱۹۰۸-۱۹۲۰)، تحریر زهیر احمد ظاهرا، بیروت، المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
۱۸. روحانی، حسن (۱۳۸۷). آشنایی با کشورهای اسلامی، تهران، مشعر.
۱۹. زارعان، احمد (۱۳۹۴). مصاحبه در باره مسائل سوریه.
۲۰. زرقانی، سیدهادی و احمدی، ابراهیم (۱۳۹۶). «شیعه هراسی به مثابه قلمروسازی گفتمانی محصور غربی-عربی در بحران های ژئوپلیتیکی خاورمیانه؛ مطالعه موردی: بحران سوریه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره اول، بهار.
۲۱. زهرانی، مصطفی و تیمور فرجی لوحه سرا (۱۳۹۵). «رویکرد ژئوپلیتیک فدراسیون روسیه در بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۴، تابستان ۱۳۹۵، ص ۴۳-۷۰.
۲۲. زمانی محجوب، حبیب و همکاران (۱۳۸۹). سقوط امپراتوری عثمانی با تأکید بر جنبش اصلاحات، قم، زمزم هدایت.
۲۳. سعیدی، ابراهیم (۱۳۷۴). سوریه، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۴. سلطان، علی (۱۹۸۷). تاریخ سوریه ۱۹۰۸-۱۹۱۸، دمشق، دار الطلاس للدراسات و الترجمة و النشر.
۲۵. سلطانی نژاد، احمد (۱۳۹۲). سیاست خارجی سوریه در جنگ ایران و عراق، تهران، صفحه جدید.
۲۶. سلطانی نژاد، احمد (۱۳۸۵). "عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر شکل گیری سیاست خارجی سوریه در بحران لبنان (۱۹۷۵-۱۹۹۰)", فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره دوم، تابستان.
۲۷. شریف، منیر (۱۹۹۱). المسلمون العلویون، من هم و این هم، بی جا، بی نا.
۲۸. طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۸). خاورمیانه جدیدتر (چشم اندازهای وسیع روابط ایران و سوریه)، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۹. طربین احمد (بی تا). سوریه، بیروت، دایرة المعارف الاسلامیة، ج ۱۳.
۳۰. عزالدین، علی ملا (۱۹۹۸). حیّ الاكراد فی مدینه دمشق بین عامی ۱۲۰۵-۱۹۷۹،

بیروت، دارآسو للطباعة و النشر و التوزيع.

۳۱. عنایت حمید (۱۳۵۸). سیری در اندیشه های سیاسی جهان عرب، تهران، امیرکبیر.
۳۲. کریمی، علی و گرشاسبی، رضا (۱۳۹۴). «ماهیت سیاسی جریان های تکفیری سوریه»، فصلنامه مطالعات ملی، پاییز، شماره ۶۳، ص ۱۰۱-۱۲۰.
۳۳. کیالی، نزار (۱۹۹۷). دراسة فی تاریخ سوریه السیاسی المعاصر ۱۹۲۰-۱۹۵۰، دمشق، دار الطلاس للدراسات و الترجمة و النشر.
۳۴. لوغاک، دانییل (۲۰۰۶). سوریه فی عهدة الجنرال الأسد، ترجمة حصیف عبد الغنی، قاهره، مكتبة المدبولی.
۳۵. لیسکو، روجیه (۲۰۰۷). الیزیدیه فی سوریه و جبل سنجار، ترجمه احمد حسن، بغداد، دار المدی للثقافة و النشر.
۳۶. لیفریت، فلاينت (۲۰۰۵). وراثه سوریه اختبار بشار بالنار، ترجمه عماد فوزی شعیبی، بیروت، دارالعربیه للعلوم.
۳۷. محمودیان، آرمان (۱۳۹۲). «فراز و فرودهای کردهای سوریه» قابل دسترسی در: <http://www.kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News/?Id=48404#Title=ژانویه ۲۰۱۴>
۳۸. مسجدجامعی، محمد (۱۳۶۷). نگرشی به مسائل کشورهای جهان، سوریه، لیبی و الجزایر، تهران، مؤسسه بین المللی کتاب.
۳۹. مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۱). «هویت یابی شیعیان و ژئوپلیتیک نوین خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره اول، تابستان.
۴۰. مطر، منی (۲۰۱۲). الانتفاضه السوریه من الالف الی الیاء، بیروت، دار العربیه للعلوم ناشرون.
۴۱. معلم، ولید (۱۹۸۸). سوریه: ۱۹۱۶-۱۹۴۶، دمشق، الطریق الی الحریه.
۴۲. نیاکویی، امیر و بهمنش، حسین (۱۳۹۱). «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، روابط خارجی، شماره ۱۶، زمستان، ص ۹۷-۱۳۵.
۴۳. ویلی، پیتر (۱۳۸۶). آشیانه عقاب: قلعه های اسماعیلی در ایران و سوریه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، نشر و پژوهش فروزان فر.

44. Fisher ,W.b.(2011). "Syria physical and social Geography", Europa Regional surveys of The World: The Middle East and North Africa, London, Routledge.
45. Mossallanejad,Abbas(2016)."The Rise of isis and the future of Iraq's security," Geopolitics Quarterly,Volume:11,No4,winter.
46. Lammens ,H,"AL-SHAM"(1997) The Encyclopadia of Islam, New edition, Leiden. Brill.
47. Lucas ,Omblin (2011). Être Alaouite dans la Syrie des al Assad, Le Monde Des Religions. Publi  le .
48. Troudi, Mohamed Fadhel(2006). La Syrie : un pays m r pour l'islamisme, G ostrat giques, n  13 .

